پیامی از استاد خانجانی

به مناسبت انتشار مجموعه آثارشان

(راهنمای مطالعه مجموعه آثار استاد خانجانی)

بسم الله النور

سلام و تبریک و شفاعت و نور محبت خداوند خالق بر همه انسانها در همه جای جهان خاصه بر شما عزیزان مخاطب .

مجموعه ای که پیش روی دارید حدیث نفس این بنده با خویشتن است و با خدای خویش و با نفس واحده همه انسانهای تاریخ تا به امروز و پایان جهان . در حال نگارش این آثار بنده هرگز به فکر انتشار آن نبوده ام زیرا این نجوای من در جستجوی خدای خویشتن است و در حقیقت جمله آثار بنده نامه های من به خداست و پاسخ خدا به من .

این اواخر بعضی از دوستان در انتشار این مجموعه اصرار ورزیدند و بنده هم بدون هیچ چشم داشتی این مجموعه را تحویلشان دادم تا در اختیار مردم قرار بگیرند . بنابراین این مجموعه آثار بکرند و از هیچ سانسور قانون یا عرف و شرع نگذشته اند و لذا ملاحظه ای هم در میان نبوده است .

بنابراین پرواضح است که هیچ فرد یا گروه خاصی مخاطب بنده نبوده است که قصد تکریم یا تحقیرش در کار بوده باشد .

بنده کل خداجوئی پنجاه ساله ام را نوشته و در اختیارتان قرار داده ام و در واقع کل زندگی ام را نگاشته ام و به امانت در نزد شما نهاده ام تا در حضور خداوند هر طور که می خواهید قضاوت کنید . اگر هر انسان عالم یا عامی زندگی خود را صادقانه بنویسد و در اختیار مردم قرار دهد هر انسانی مبدل به پله ای از نردبان تکامل برای سائرین خواهد بود و بشریت تبدیل به نردبانی بسوی خدا خواهد شد و هیچ انسانی خطاهای دیگران راتکرار نخواهد کرد و در اینصورت بشریت رشد و تعالی معجزه آسائی خواهد نمود .

از درستی های من پیروی کنید و از خطاهایم عبرت گیرید . اگر از مطالعه این مجموعه به خیری رسیدید ما را هم دعا کنیدو اگر چیزی نیافتید ما را عفو فرمائید .

این مجموعه آثار سرگذشت و آئینه ظاهر و باطن زندگی انسانی است که از کودکی تا به امروز به مدت پنجاه سال جز در راه خدا و رسیدن به او کار و بار و فکر و برنامه ای نداشته است و در این راه به آب و آتش زده و هر مذهب و مسلک و هر خانه و شهر و دیاری را زیر پا نهاده و تمام دنیایش را در این راه فداکرده است ولی بالاخره او را یافته است و لذا از تجارت خویش شادمان است . این مجموعه آثار را به

رایگان در اختیار دوستان قرار داده ام تا رایگان در اختیار مردم قرار دهند بنابراین هر هزینه ای در این انتقال مربوط به ناشران و مراکز پخش است.

عزیزان من هر که خالصانه خدا را جستجو کند حتماً خواهد یافت همانطور که خودش وعده نموده است که «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم.» قرآن کریم – و « هر که جستجو کرد مرا یافت مرا» حدیث قدسی .

ای عزیزان من بپزهیزید از تقلید صوری از راه و روش من که حتی تقلید از انبیاء و امامان نیز باعث ضلالت است بلکه از رهاورد این سفر که معارف و حقایق و مکاشفات عرفانی در زندگی روزمره است بهره جوئید و این عناصر را در زندگی خود وارد کنید که در اینصورت چه بسا بسیار سریعتر و آسانتر از بنده به حق برسیدو از راهی که بواسطه اینجانب کشف شده و هموار گردیده است بهره جوئید بی آنکه یک هزارم از مشقاتی را که بنده داشته ام داشته باشید .

پس ای عزیزان بجوئیدش که جز این جستجو ، به مقصد نمی رسد . و هیچکس در این جستجو پشیمان نشد . بهر طریقی که می توانید او را بجوئید و بسویش گامی بردارید که اینست توشه حیات آخرت .

هر یک از حقایقی که در این مجموعه می یابید بمانند فرشته ایست که با سوار شدن بر بالهایش می توانید ره صد ساله خداجوئی را یک شبه طی کنید . بنده با دست خالی و بی هیچ یار و یاوری و از صفر آغاز کردم ولی شما اینک سرمایه ای لامتناهی در دست دارید که در اندک مدتی به یاری آن باید بتوانید حتی مرا هم پشت سر بگذارید . پس مبادا پندارید که شما هم قرار است این راهی را که من آمده ام از سر بگیرید و تکرار کنید هرگز چنین نیست. مراقب تقلید و تلقین های آگاه و ناخودآگاه و توهمات و همذات پنداریهای مالیخولیائی در خود باشید که نجوا و القای شیطان است. براستی که بقول رسول اکرم ص به تعداد انسانها بسوی خداوند راه وجود دارد فقط مراقب باشید که بر راههای دوزخی و برزخی و اسفل السافلینی وارد نشوید. و نیز از این وسوسه شیطان بر حذر باشید: وسوسه عارف شدن! که سلطان عارفان علی ع فرمود: هیچکس به قصد عارف شدن، عارف نشده است! ولی هر که درد آدمیت یافت و این درد زایمان او را به نعره و فغان از نفس خودش رساند به نور معرفت از بطن خودش متولد می گردد و این سرآغاز خلق جدید انسانی است و ورود به اصحاب اعراف و حلقه عارفان حق! و بدان که عارف شدن، آدم شدن است نه خدا شدن!

بنده آنگونه که باید او را خالصانه جستجو نکردم و دوران جوانی ام را بسیار هدر دادم و جستجو گری خود را به دنیا و هوای نفس آلودم . شما از من عبرت بگیرید و از آغاز نوجوانی این جستجو را آغاز کنید

و هر چه که از عمرتان بگذرد غل و زنجیرهای دنیا بیشتر می شود و این جستجو را سخت تر می سازد . هرچند هر گاه که آغاز کنید او بس مهربان و ره گشا است .

او را بجوئید و در لحظه لحظه زندگیتان بجوئید و با زندگی بجوئید و نه در خارج از گود زندگی . او در زندگی است و خود زندگی است و لذا او را در جای دیگری نخواهید یافت . او را در خاک و آب و در خلوت و جمع ، در خواب و بیداری و زمین و آسمان جستجو کنید . او را بجوئید و دیدارش را در همین دنیا بخواهید که اینست صراط المستقیم . به شما قول شرف می دهم که قصد دیدارش کنید حتماً دیدارش خواهید کرد به همین آسانی .

بنده جستجو کردم او را ولی او را نیافتم ولی این او بود که مرا یافت و آنگاه من او را یافتم و دیدار کردم . ای عزیزان به کمتر از دیدارش قانع مباشید که مبتلا به شرک و نفاق و بطالت و گمراهی می شوید . دین خالص یعنی دینی که دیدار جمالش را در همین دنیا طلب می کند . این تنها نیتی از دین است که هر شرکی را می زداید .

ای عزیزان من او را جستجو کنید و به دیدارش بشتابید که او هم در انتظار دیدار شماست و بسیار بیشتر از شما مشتاق دیدار شماست . این دیدار درب نجات دنیا و آخرت شماست . ای عزیزان من دین خدا را کمتر از این مگیرید که در شأن انسانیت شما نیست که اسلام دین معراج است و مسلمانی دین لقاء الله .

به تجربه دریافتم که از مطالعه آثارم هر کسی بنوعی دچار خیر و برکات عظیم معنوی و روحانی و حتی دنیوی شده است .. این امر به اصرار و یاری دوستان، ما را بر آن داشت که از طریق اینترنت آثارم را در اختیار هموطنان قرار دهم . همین امر متقابلاً اشتیاق خوانندگان را تشدید نمود و برخی از همین خوانندگان دست اندرکار انتشار مجموعه آثارم بصورت لوح فشرده شدند .

اگر نتایج حاصله از مطالعه این آثار بطور یقین بدستم نیامده بود هرگز راضی به انتشارشان نمی شدم زیرا می دانم که آثاری آتشین و تیز و تند و چه بسا بیرحمند و گوئی نتایج خیر حاصل از مطالعه این آثار هم اتفاقاً ناشی از این ویژه گی است . پس پیشنهاد می کنم که در مطالعه این آثار صبور بمانید و خود را از برکاتش محروم مسازید . هر چند که در حال مطالعه به بنده فحش می دهید و لعن می کنید ، بکنید هیچ عیبی ندارد چون شما را دوست می دارم ولی بخوانید و باز هم بخوانید و جسور و دلیر باشید و از سوختن و زیر و رو شدن مهراسید که هر چه خاصیت نیکوست از همین روست .

عزیزان من قهر موجود در این قلم از غایت عشق بـه انسـان و عزّت و خدایگونگی انسـانی است کـه بـه فلاکت دچار شده است . آنچه کـه تحقیر شده است انسان نیست بلکـه بدبختی هـا و تـاریکی هـا و اجنـه و شیاطین هستند که انسان امروز را به فلاکت کشیده اند . این جهل مدرن و دجالیتها مقدس نمایند کـه رسوا و باطل شده اند تا انسان نجات یابد . پس عزیزان من شیطان را مستمراً لعنت کنید و بخوانید و سعی کنید هر رساله ای را به تمام و کمال بخوانید و سپس همه این مجموعه را بخوانید زیرا گزارشی از یـک سفر مـادام العمر است پس این راه را تـا بـه آخر طی کنید و نیمـه کـاره رهـا مکنید کـه دچـار قضـاوت نـاحق و گمراهی شوید . این مجموعه آثار یک سفر نـامه کامل از خود تـا خداست . و همـه مـا خـواه نـاخواه مسـافر قیامت و لقـاء الله هستیم پس بگذار تـا در تجلیات ناسوتی از او دیداری داشته باشیم تـا در دیـدار قیامـت کبرایش مگوئیم :«ای کاش خاک می بودیم»و آنگاه خود را در آتش سرنگون سازیم .

پس این یک نقشه راه است و گزارشی کامل از سفر دیدار خداست . از این نقشـه بهره گیرید ضـرر نمـی کنید .

بگذار اعتراف کنم هر چند کـه حمل بر خود ستائی ام باشد . کـه چنین سفرنامه کـاملی بـه زبـان زمینـی و عامیانه از سفر سیر الی الله هرگز در تـاریخ معرفت بشری سابقه نداشته است الا معراجنامـه پیـامبر اکـرم ص که از قلمرو فرهنگ مسلمانان خارج مانده است چه بسا به این دلیل کـه مطالعـه اش را بـرای مسلمانان موجب کفر می پندارند . این اراده پروردگار مهربان بود که بنده همه مراحل سفرم را مرحلـه بـه مرحلـه در طی بیست سال بنگارم تا در اختیار شما قرار گیرد . و لذا شما بـه آسـانی در مطالعـه این آثـار متوجـه حالـت جذبه و خلسه و مدهوشی فوق زمینـی مـن خواهیـد بـود . یعنـی بنـده اکثـر ایـن رسـاله هـارا در حین سفر و پروازم نوشته ام و لذا مطالعه آنها اکثراً برای خود بنده شگفت آور و بـدیع بـوده است . مـن نخسـتین کسـی بوده ام که از مطالعه آثارم حیرت زده بوده و تعلیم یافته ام و وقایع سفر را به یاد آورده و تبدیل به معرفت ساخته ام .

آنانکه برخی از این سفرنامـه های عرفانی و روحانی برجا مانده از برخی عرفا را مطالعه کرده اند می دانند که فهمشان تا چه حدی ثقیل و محتاج قرنها تفسیر بوده است و تاکنون هنوز هم بجز انگشت شماری از آن سر در نمی آورند مثل ارداویرافنامه ، اسفار اربعه ، کمدی الهی دانته ، فتوحـات مکیـه ابـن عربـی و اسـرار نامه روزبهان و مثنوی مولـوی و منطق الطیر عطـار و اپانیشـادها و غزلیـات حـافظ کـه سراسـر اسـتعاره و

ایهام و راز بافی و قصه پردازی است و به زبانی بغایت تخصصی که فقط برای فهم ادبی آن نیازمند عمری تحصیلات در رشته ادبیات و زبان و فلسفه و تفسیر و تاریخ هستیم .

ما بس ساده نگاشته ایم و امید است که شما ساده نگیرید تا نهایتاً حق را به افسانه پردازان و اسطوره سازان و شاعران و قصه بافان ندهیم .

پس به فهم و ادراک خود تردید مکنید و چون آسمان را به زمین آورده و ماورای طبیعت را در طبیعت نشان داده ایم انکار مکنید تا خداوند را دوباره به پشت بام آسمان بر نگردانید .

ما در مجموعه آثارمان آشکارا دعوی کرده ایم که برای نخستین بار عرفان را از عرش به فرش آورده ایم و حکمت و معماهای فلسفی را امّی و عامیانه ساختیم و حقایق عرفی و شرعی را در معارف عرفانی نمایانده ایم و معارف قرآنی را در جهان مدرن تعین بخشیده ایم و عرفان عرف را تبیین کرده و در اختیار هر فرد عامی و امّی نهاده ایم . این همه از برکات حق بوده است پس این برکات و نعمات الهی را کفران مکنید و نقد کرامت الهی را به نسیه آسمانی فرافکنی ننمائید و خودتان را باور کنید و بیش از این دست از تحقیر روح خود بکشید شما صاحب روح خدا هستید و با چشم این روح می توانید خدا را دیدار کنید . این حق را باور کنید . تمام تلاش بنده در این مجموعه جز این خودباوری نبوده است . هر کجا که می سوزید این حقارتهاست که می سوزد پس بگذارید تا بسوزد تا بال پرواز بیابید و باور کنید که خدا با شما و در شماست و غیر شما نیست .

آنجا که ارزشی به چالش گرفته شده و پوچ شده است ارزشی نابتر از خراباتش سر بر آورده است . آنجا که یک باور مقدس بیهوده گردیده است باوری مقدس تر رخ نموده است . آنجا که خدای خیال و ذهن بی بنیادگشته است خدای زندگانی و جمال پیش روی نهاده شده است . بسیاری از مفاهیم و ارزشهائی که ابطالش عیان شده مدتهاست که در دل و جانمان بیهوده گردیده و ما بیهوده گی اش را به عرصه معرفت آورده ایم و حق ابطالش را بیان کرده ایم . ما هیچ حقی را پوچ نساخته ایم بلکه پوچی بسیاری از باطل های حق نما را آشکار کرده ایم . پس تاب تحمل این پوچی نهان را که عیان گردیده داشته باشید تا به ارزش حقیقی نائل آئید . به لحاظ اخلاقی و معنوی آنچه که درآثار ما روی نموده رسوائی ارزشهای منافقانه و ریائی است . آنچه که در آثارمان رسوا شده و خراباتش پدید آمده است نه ارزش و اخلاق و معنویت و مذهب و باورهای مقدس بلکه ارزش نمائی رسوا شده است و نفاق براندازی شده و بسیاری از تضادهای درون ، برون افکنی شده و لذا ثقل عظیم تاریخ معنا و مذهب و اخلاق به عرصه قیامت آمده

است که « قیامت آنروزی است که نهان آدمی عیان می شود و سعادتمند کسی است که آنچه را که می بیند تصدیق کند و بخدا پناه برد و بدبخت کسی است که انکار می کند و بر دوزخ و عذاب الهی وارد می شود »

قرآن کریم

اینست که سرلوحه همه شعارهای ما در این مجموعه آثار اینست :تصدیق کنید تا نجات یابید ! پس چنین کنید تا نجات و رستگاری روح خود را به عینه تجربه و باور کنید .

این مجموعه آثار گزارشی از دوزخ و برزخ و بهشت و رضوان الهی است گزارشات دوزخی مسلماً آتشین است تحملشان کنید تا از آن رها شوید . و گزارش برزخی هم پوچ کننده و در یک کلام پاک کننده است . ولی گزارشات بهشتی و رضوانی تماماً عاشقانه و مستی زاست و روح را به پرواز می آورد . بدون مطالعه دوزخ و برزخ قدرت ورود و درک معارف بهشتی را ندارید در خودشناسی دوزخی از دوزخ نفس پاک می شوید و در خودشناسی برزخی از برزخ نفس رها می شوید و آنگاه بر بهشت نفس وارد می شوید که در حضور پروردگارید . اگر مجموعه آثارم را بر حسب تاریخ تألیفشان مطالعه کنید این سه مرحله دوزخی و برزخی و بهشتی را در خواهید یافت .

امیدوارم از آن جماعت نباشید که معما چو حل شد و آسان گردید به سهل و سهو و بازی و ریشخند گیرید و از آن بگذرید . این غایت جهل در قبال لطف و رحمت و محبت خداست . و رحمتی ماندگارتر و رهائی بخش تر از نور معرفت نیست که در دسترس باشد . در این مجموعه آثار تقریباً همه معماهای لاینحل و مفهوم ناشده تاریخ فلسفه و حکمت و عرفان و تصوف و امامت و نبوت و وحدت وجود به عامیانه ترین زبان و منطق ، رمزگشائی و تبیین شده است بی آنکه از عمق و قداست و اعتلای مفاهیم کاسته شده باشد این قدر را به عبث نگیرید و این رحمت و گشایش رایگان و بی مزد و منت را هدر ندهید و انکار مکنید که پشیمان خواهید شد .

هزاران انسان سرگردان و بی هویت در مطالعه این آثار نجات یافته است و هزاران انسان بیمار جسمی و فکری و روانی بخودآمده و شفا یافته است و هزاران سالک دچار جهش روحانی گردیده است . امیدوارم شما هم از این جماعت باشید انشاءالله .

در یک کلام مجموعه آثار ما چیزی جز «آخر الزمان شناسی» نیست و این به مثابه فرهنگ ظهور ناجی موعود و فرهنگ قیامت است و عین قیامت شناسی . این همان فرهنگ لقاءالله است . و آماده گی فکری و روانی و متعاقباً مادی و معنوی جهت ظهور است که اگر اهل و طالب باشی این ظهور و دیدار را قبل از

ظهور موعود و جهانی درک خواهی کرد و در غیر اینصورت این امید و ایمان و نور معرفت و شوق حتی پس از مرگ همان نور هدایت و توشه آخرت شما خواهد بود و می دانیم که با قیامت همه اموات احیاء خواهند شد و با همان هویتی که از دنیا رفته اند با قیامت مواجه خواهند شد . پس این فرهنگ هرگز هدر رفتنی نیست بلکه تنها فکر و فرهنگ ماندگار و جاودانه است . این همان نور است . امر ناجی موعود و قیامت و آخرالزمان و ظهور امری مختص شیعه نیست و در همه مذاهب حقه حضور دارد ولی برای شیعه در رأس و محور همه اعتقاداتش قرار دارد . امروزه انسان بدون نور امید به این ظهور انسانی، تسلیم و تباه و هلاک شده و پوچ و بلکه مرده است به لحاظ روح .

نور همان عرفان است و انسان بدون عرفان ، انسانی ظلمانی است . و عِرفان ما عرفان آخرالزمان و قیامت و لقاءالله است و عرفان الساعه است و عرفان هم اکنون است عرفان زندگی است عرفان عهد بوق نیست عرفان هزاره سوم است . عرفان واقعه است و عین واقعیت است و لذا عرفان شعر و شعار و استعاره و مثال و حکایت و اسطوره و ایهام و سمبل ها نیست . عرفان حق است حقی که عین واقعیت انسان امروز است . عرفان بمب و ایدز و اعتیاد است ، عرفان تکنولوژی و لیبرالیزم است ، عرفان جنون و خودکشی و جنایت است ، عرفان خفقان و ترور است ، عرفان انقلاب است ، عرفان انسان است و نه عرفان از ما بهتران و عرش نشینان ، عرفان خانه بدوشان است . عرفان ما ، عرفان دوزخیان و برزخیان هم هست و نه فقط آنان که سحرگاهان با ملائک باده مستانه می زنند . بلکه عرفان اکثریت بشری که شبانه روز خون دل می خورند و چرک و فساد و سقر می نوشند و آتش استفراغ می کنند . عرفان هروئینی ها و کراکی ها و همجنس بازان و بیماران اسکیزوفرنیا و ف و ا ح ش و دزدان و جانیان و زندانیان و مطرودین و تنهایان و کارتون خوابها و خودسوزان است . و این ویژگی عرفان آخرالزمان است که دوزخ آشکار شده است .

و بخشی عظیم از این آثار ، عرفان اهل دوزخ است . برای عشق به حقیقت انسان و عطش نجات مردمان از این آتش ، دل به دوزخ زدیم و پانزده سال بعد که از آن سوی طبقه هفتمش سر بر آوردیم دیدیم که هیچ اثری از ما در این جهان باقی نمانده است . فهم و جان و تنی با هزاران جراحت و چرک و فساد باقی مانده از آثار دوزخ و خیانت دوزخیان . تک و تنها بیمار و بر آستانه فنا . جمع حیات و هستیم را بر تاق نیستی زدم تا از اسرار انسان با خبر شدم و اینست آن نبأ عظیم .

پس این مجموعه آثار حاصل چنین سفری است و شاید پر هزینه ترین سفری باشد که کسی در این دوران بدان نائل آمده است که در پایان این سفر جز خدا برایش باقی نمانده است و خود خداوند شاهد حقیقی این آثار بدست بنده بوده است و اگر در جای جای این آثار خود را جز با خداوند روبرو نمی یابید احساسی کاملاً درست است . پس به همو پناه برید در این قیامت نامه تا از جمله سعادتمندان باشید . پس انکار مکنید هر آنچه را که در خود می یابید . این آثار همچون کاخ آئینه هاست که خود را در همه سو دیدار می کنید . انکار مکنید تا رستگار شوید . تصدیق کنید تا نجات یابید و مورد مغفرت و الطاف الهی قرار گیرید . به شرط اینکه فقط معارف و حقایق بهشتی و رضوانی را از خود نبینید و آن حقایق تلخ و سیاه دوزخی و برزخی و اسفل السافلینی را در سائر مردمان و دشمنان خود! که این نگاهی ابلیسی است و جز بر خسران و ضلالت و رسوائی نمی افزاید درست مثل خود قرآن!

و توصیه آخر به شما عزیزان اینست که زکات معرفت را فراموش مکنید یعنی از معرفی و انتشار این آثار و معارف به دیگران دریغ مکنید که این یک وظیفه واجب الهی است که مهمترین میراث انبیای الهی برای ماست یعنی امر به معروف و نهی از منکر که متأسفانه به حساب فروع دین رفته است در حالیکه یکی از مهمترین شاخه های نبوت است که از اصول دین می باشد. برسانید تا برسید! «و اما نعمات پروردگارت را برای دیگران بازگو کن» قرآن کریم- و نعمتی برتر از نور معرفت و هدایت نیست! در اشاعه و توسعه حقیقت در میان مردمان است که حقیقت در دل و جانت اشاعه و توسعه می یابد و ریشه می دواند و قلبی می شود و تو را هدایت می کند. زیرا این معارف، برترین نور رحمت خدا در آخرالزمان است که به تو رسیده است پس این رحمت را به دیگران هم برسان و به دیگران رحم کن همانطور که خداوند تو را مشمول رحمت خود قرار داده است. «رحم کن تا رحم شوی» علی ع-

والسلام

علی اکبر خانجانی